

کرونا؛ ما و آمریکا

در هفته‌ها و روزهای اخیر و با شیوع کروناویروس در ایران و کشورهای مختلف جهان، شاهد برخی اظهارات عجیب از سوی برخی مقام‌های نظامی و حتی پاره‌ای سیاستمداران هستیم.



کرونا؛ ما و آمریکا

March 30, 2020 [Javad Rooh](#) مهدی نوربخش

استاد روابط خارجی و تجارت جهانی دانشگاه هریسبرگ

در هفته‌ها و روزهای اخیر و با شیوع کروناویروس در ایران و کشورهای مختلف جهان، شاهد برخی اظهارات عجیب از سوی برخی مقام‌های نظامی و حتی پاره‌ای سیاستمداران هستیم. مثلاً، در همان هفته‌های نخست، فرمانده کل سپاه گفته بود: "اگر ملت آمریکا نیاز به کمک دارند، ما می‌توانیم به آنها کمک کنیم؛ ولی نیازی به کمک آنها نداریم". چنین اظهارنظری که احتمالاً با افزایش تعداد مبتلایان در آمریکا، شاهد افزایش آن هم خواهیم بود؛ چندین سؤال برای هر فرد منصفی ایجاد می‌کند.

۱. اگر کشور ما از چنین امکاناتی برای کمک به بقیه برخوردار است، چرا این امکانات در داخل کشور به کار گرفته نمی‌شوند؟ اصولاً در اینگونه بحران‌ها، کشورهایی دست به سوی بقیه برای کمک رسانی دراز می‌کنند که از بنیه مالی و تخصصی لازم برخوردار باشند. در بخش مالی سؤال این است که آیا کشور ما از چنین بنیه‌ای برخوردار است؟ اگر هست، چرا فرودستان این کشور از طرق مختلف اقتصادی کمک نمی‌شوند تا در خانه بمانند و هم خود و هم بقیه را از ابتلا به این بیماری جان‌گیر محافظت کنند؟ در همه کشورهایی که اکنون با این بیماری دست و پنجه نرم می‌کنند، دولت‌ها سریعاً به میدان آمده‌اند و با سرمایه‌گذاری در مردم و خصوصاً بخش کم‌درآمد، سلامت مالی و بهداشتی مردم را تأمین می‌کنند. در آمریکا، دولت ترامپ مثل رهبران سیاسی کشور ما، در ابتدا این بیماری را جدی نگرفت. با فشارهای گروه‌های مختلف اجتماعی و با بهره‌گرفتن از حق انتقاد، اعتراض و گردش آزاد اطلاعات، نهایتاً ترامپ مجبور شد تا به واقعیات تخریب این بیماری تن دهد. هفته پیش و بیشتر در زیر فشارهای دموکرات‌ها، دولت این کشور مجبور شد تا یک بسته دوتریلیون و ۲۰۰ میلیارد (۱۲۰۰ میلیارد) دلاری را به تصویب برساند. چیزی که در این بسته چشمگیر است، اختصاص ۳۵۰ میلیارد دلار به کاسبان خرد و شرکت‌های کوچک، ۱۵۰ میلیارد دلار به تجهیز بیمارستان‌ها، و کمک مالی ۱۲۰۰ دلاری به هر فرد خانواده و ۵۰۰ دلار در ماه به کودکان است. این کمک به خانواده‌هایی تعلق می‌گیرد که درآمد سالانه آنها کمتر از ۹۰ هزار دلار باشد. در این محاسبه، یک زن و شوهر با دوفرزند، چکی به مبلغ ۳۴۰۰ دلار در ماه دریافت می‌کنند. آیا مسئولان کشوری و لشکری ایران پیش از فکر کمک به آمریکا، به فکر تمهیداتی اینچنینی در مقیاس بسیار پایین‌تر برای شهروندان ایران بوده‌اند؟

۲. وقتی به آمار و ارقام در کشورمان نگاه می‌کنیم، هرگز خودمان را در شرایط مناسب کمک به دیگران نمی‌بینیم. آقای شمخانی هم در هفته‌های گذشته چنین پیشنهادی را به کشور عراق داده بود؛ بدون توجه به آمار و کاستی‌های موجود در کشور ما. در آمریکا طبق آمار تا امروز (دوشنبه ۳۰ مارس) ۴۲۷۳۵ نفر به بیماری کرونا (Covid-19) مبتلا شده‌اند. این رقم نمی‌تواند مطلقاً صحیح باشد، به خاطر اینکه بسیاری که علائم این بیماری را از خود بروز می‌دهند، هنوز مورد آزمایش قرار نگرفته‌اند. مثل کشور خودمان ایران، آمار که به اطلاع مردم می‌رسد، آمار حقیقی نیست. اما فرق بین آمریکا و ایران این است که این آمار در آمریکا به آمار حقیقی و به خاطر اینکه مردم این کشور دسترسی نسبی بهتری به بهداشت و سلامت دارند، نزدیک‌تر است. در آمریکا اگر کسی به یک بیماری مبتلا شود و بیمه سلامت نداشته باشد، بخش اورژانس یک بیمارستان نمی‌تواند از مداوای او سر باز زند. بخش فقیر این کشور بیمه درمانی دولتی (Medicaid) دارند. تا امروز، ۲۴۸۹ نفر از مردم آمریکا که باین ویروس مبتلا شده بودند، فوت کرده‌اند. ۴۵۶۲ نفر بهبود یافته‌اند. ۲۸۷۰ مریض در مرحله بحرانی به سر می‌برند. نهایتاً میزان و رقم فوت در اثر ابتلا باین بیماری در آمریکا ۸ در ۱۰۰ نفر جمعیت کل کشور است. در ایران طبق آمار که نمی‌تواند صد در صد صحیح باشد، ۳۸۳۰۹ نفر باین بیماری مبتلا شده‌اند. ۲۶۴۰ نفر تا به امروز از این بیماری فوت کرده‌اند. ۲۳۹۱ نفر از این بیماری بهبود یافته‌اند و ۳۲۰۶ نفر در مرحله بحرانی به سر می‌برند. آمار و ارقام کسانی که تا به حال از این بیماری در کشور ما فوت کرده‌اند، ۳۱ نفر در هر ۱۰۰ نفر از جمعیت کشور بوده است. لذا باید گفت ۸ نفر در آمریکا و ۳۱ نفر در ایران در هر ۱۰۰ نفر جمعیت کل کشور، فرق بسیار فاحشی دارد. چگونه کشوری که آمار و ارقام فوت در آن در اثر ابتلا به این بیماری بسیار بیشتر از آمریکا است، می‌تواند به آن کشور کمک کند؟ در کشورهای غربی بهترین مدل، مدل کشور آلمان است. نرخ مرگ و میر در این کشور به ۶ نفر در هر هزار شهروند این کشور رسیده است. این آمار از Worldometers اتخاذ شده است. آیا ما نباید به جای شعار انتقال تجارت خود به بقیه کشورها، چشمان خود را باز کنیم و برای سلامت مردم این سرزمین از تجارب بین‌المللی استفاده کنیم؟ آیا نباید با مردم صادقانه حرف بزنیم؟

۳. آیا مقامات کشوری و لشکری که چنین ادعاهایی می‌کنند؛ به جای پیشنهاد کمک به آمریکا، سری به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی کشور زده‌اند، آمار خوانده‌اند تا ببینند چرا این ویروس جان بسیاری از پزشکان و پرستاران شریف این کشور را گرفته و می‌گیرد؟ آیا از دست دادن این سرمایه‌های اجتماعی و ملی، به خاطر کمبود امکانات نیست؟ همه می‌دانند که علم پزشکی و سلامت در کشور ما در مقایسه با بقیه دنیا بسیار پیشرفته و درخور توجه و یک غرور ملی است. چه شده که تا به حال، این بیماری از این طبقه شریف اجتماعی قربانی‌های فراوانی گرفته است؟ آیا کمبود امکانات فقط به خاطر تحریم هاست؟ بدون شک تحریم‌ها بر اقتصاد کشور ما تأثیرات فراوانی داشته، اما مدیریت ناکارآمد اقتصادی و محدود شدن سرمایه‌های عظیم این کشور در دست گروه‌های خاص که به گردش صحیح سرمایه در این کشور ضربات فراوانی زده، نمی‌تواند به تنگناهای اقتصادی کمک کرده باشد؟ آیا مقامات مدعی از جامعه پزشکی کشور سؤال کرده‌اند که اولاً در حال حاضر آیا می‌توانیم به بقیه دنیا کمک کنیم و اگر توانستیم، به کدام کشور و این اینگونه کمک‌ها از چه مقوله‌ای می‌توانند باشند؟

باعث تاسف و تأثر است که بیش از چهاردهه از انقلاب گذشته، رهبران سیاسی کشور ما هنوز فکر می‌کنند با شعار می‌توانند اعتماد مردم این سرزمین را کسب کنند. بی‌اعتمادی مردم روزه‌روز افزون‌تر می‌شود و متأسفانه به جای پیدا کردن راه‌چاره برای به دست آوردن اعتماد شهروندان این کشور، بر حجم آن افزوده می‌شود. بهداشت و سلامت یک

جامعه یک مقوله امنیتی است. اگر سلامت یک جامعه مورد تهدید قرار گرفت، امنیت اقتصادی آن مورد تهدید قرار گرفته است. آیا نباید در حال حاضر، به جای شعار، به فکر امنیت ملی کشور بود؟